

برای خاورمیانه‌ای آزاد، دموکراتیک و همبسته!



این نامه خطاب به مبارزان کوبانی، فدراسیون جوانان سوسیالیست، اعضای حزب دموکراتیک خلق‌ها و همه‌ی دیگر کوشندگان راه سوسیالیسم و دموکراسی نوشته شده است. (+ برگردان‌های انگلیسی، کردی و ترکی)

رفقا!

حمله‌ی تروریستی ۲۰ جولای / ۲۹ تیر ماه به تجمع فدراسیون جوانان سوسیالیست در مرکز فرهنگی آمارا در شهر مرزی سوروچ ترکیه که ۳۲ تن از برادران و خواهران‌مان را که عازم بازسازی کانتون کوبانی بودند به کام مرگ کشید باری دیگر تقابل اُشتی‌ناپذیرِ بربریت افسارگسیخته‌ی داعش با آلترناتیو سوسیالیستی کوبانی را به روشنی هر چه تمام‌تر به نمایش گذاشت. هم‌اینک از روز هم روشن‌تر است که این‌روزهای خاورمیانه‌ی گرفتار جنون و جنگ از آن دست اعصار تاریخی است که پرسش از «سوسیالیسم یا بربریت» بیش از هر زمان دیگری معنادار شده است. تصادفی نیست که در میان دولت‌های قدرقدرت خاورمیانه که از پول نفت متورم شده‌اند و هر یک به نوعی مصداق روشنی از سازگاری بی‌دردسر سرمایه‌داری با رژیم‌های غیردموکراتیک محسوب می‌شوند این کانتون کوبانی- و نیز کانتون‌های جزیره و عفرین- بوده‌اند که علاوه بر ایستادگی تمام‌قد در برابر هیولای درنده‌ی داعش به‌راستی آلترناتیوی واقعی نه فقط در برابر آن که در برابر همه‌ی دیگر دولت‌های منطقه پیش گذشته‌اند. تا جایی که به کانتون‌ها مربوط می‌شود با نمونه‌های موفقی از دموکراسی مستقیم،

خودگردانی مشارکتی، همبستگی برابانه، و سوسیالیسم سکولاردموکراتیک سروکار داریم که عملاً چیزی کمتر از گسست از میراث دولت‌های اقتدارگرای منطقه - از پارلمان‌تاریسم از رم‌افتاده و بوروکراسی آمرانه گرفته تا هویت‌گرایی تبعیض‌گذار و سرمایه‌داری‌های قبیله‌ای - تئوکراتیک - میلیتاریستی نیست. کورسوی امیدی که از قعر تاریکی روزها و شب‌های خاورمیانه‌ی گرفتار ویرانی و آشوب می‌تابد به همت شما رفقا در کوبانی و عفرین و جزیره و رفق‌امان در دیاربکر و استانبول و آنکارا - و صد البته به اتکای مجاهدت‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه‌ی دیگر خلق‌های خاورمیانه - روشن باقی مانده است.

ما نیز چون شما بر این باوریم که مقاومت پیروزمندانه‌ی کوبانی و پیروزی چشمگیر سیاسی «حزب دموکراتیک خلق‌ها» در ترکیه با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و اساساً در نسبت درونی با همدیگر است که به درستی فهمیده می‌شوند، چنانکه می‌توان ادعا کرد با یک پروژه‌ی سیاسی واحد طرف هستیم که بسته به امکان‌ها و اقتضات وضعیت از روش‌ها و ابزارهای متفاوتی بهره می‌برد. ما هر دوی این تجارب امیدبخش سیاسی را هم‌چون گشایش جبهه‌ای دموکراتیک در قلب یکی از غیردموکراتیک‌ترین مناطق جهان از خلال مقاومت خلاقانه در برابر نیروهای چندریخت ارتجاع - یکجا در کسوت یک دولت سرمایه‌داری به ظاهر نُرمال با جاه‌طلبی احیای امپراتوری اسلامی (ترکیه) و جای دیگر در قالب یک دولت نظامی جیره‌خوار سرمایه‌داری‌های منطقه با روکشی از سازوکارهای ایدئولوژیک و اجرایی اسلامی (داعش) - می‌فهمیم. در شرایطی که نیروهای چپ‌گرا در دیگر کشورهای خاورمیانه عموماً - چه از رهگذر سرکوب بیرونی و چه به واسطه‌ی تنش‌ها و بن‌بست‌های درونی - به جریاناتی پراکنده، حاشیه‌ای و کم‌اثر بدل شده‌اند، جدیت شما در پیشبرد هم‌زمان یک پروژه‌ی واحد چپ‌گرایانه در دو جبهه‌ی مختلف، نویدبخش تقویت منطقه‌ای جریانی است که سودای آزادی، برابری و همبستگی دارد. پشتیبانی ما از عزم سیاسی شما در کارزارتان علیه جبهه‌ی ارتجاع و سرمایه در واقع بخشی از تعیین‌یابی خود ما از خلال مشارکت در پروژه‌ی سیاسی مشترکی است که در دستورکار همه‌ی نیروهای چپ منطقه قرار دارد.

دولت ترکیه که به برکت یکه‌تازی تاکنون دوام آورده‌ی حزب عدالت و توسعه اینک به آمیزه‌ی غربی از عثمانی‌گری ناسیونالیستی، اسلامگرایی سیاسی، و نولیبرالیسم اقتصادی بدل شده است، مدتهاست که نقشی به غایت ارتجاعی - چه در خود ترکیه و چه در منطقه - ایفا می‌کند. در واکنش به تهاجم تروریستی اخیر، دولت اردوغان در تقلاست تا با یک تیر چند نشان بزند: تصویر جهانی از شراکت‌اش با داعش را با قربانی‌نمایی و دامن‌زدن به مبارزه‌ی صوری با آن اصلاح کند، به اتکای به‌بن‌بست‌کشاندن مذاکره بر سر تشکیل دولت ائتلافی دست به برگزاری انتخابات زود هنگام پارلمانی بزند و به موازات این بکوشد با تقویت کلیشه‌های ناسیونالیستی جایگاه متزلزل خود در داخل ترکیه را بازسازی کند و ریزش چشمگیر آرای حزبش را بازگرداند و شکست سیاسی‌اش در انتخابات اخیر را جبران نماید، با واداشتن پ.ک.ک به دست‌زدن به مقابله‌جویی مسلحانه و انصراف از پیگیری خط صلح، آنها را تهدیدی برای امنیت ترکیه و طرفی غیرقابل‌اعتماد در فرآیند مصالحه‌ی سیاسی جا بزند و از این راه هم بخشی از آرای ناسیونالیست‌های مخالف سازش با پ.ک.ک را با خود همراه کند و هم زمینه‌ی قلع و قمع اعضای آن و دیگر مخالفان سیاسی - و در رأس همه، «حزب دموکراتیک خلق‌ها» و در گام‌های بعد همه‌ی دیگر گروه‌های چپ - را فراهم سازد، با نفوذ در شمال سوریه به بهانه‌ی مبارزه با داعش مواضع حزب اتحاد دموکراتیک را تضعیف کند و تحرکات‌اش در منطقه را کنترل نماید و از همه مهم‌تر مانع به‌هم‌پیوستن کانتون‌های سه‌گانه به یکدیگر شود. از این حیث تأکید «حزب دموکراتیک خلق‌ها» و دیگر نیروهای چپ‌گرا به حفظ خط صلح - با وجود نقض یک‌طرفه‌ی آتش‌بس از جانب دولت - و پرهیز از افتادن به دام تلافی‌جویی نظامی و مقاومت در برابر وسوسه‌ی پشت‌پازدن به مشارکت پارلمان‌تاریستی در عرصه‌ی سیاست داخلی در عین وفاداری به اصول، مواضع و برنامه‌ی سیاسی مترقی خود و تحکیم همبستگی با جنبش‌های اجتماعی و تداوم اتکا به سازماندهی مردمی و گرفتن پیکان اصلی اتهام به سمت عملکرد «حزب عدالت و توسعه»، تا همین جا

نیز می‌تواند گامی حیاتی در ناکام‌گذاردن طرح شوم دولت اردوغان برای برهم‌زدن موازنه‌ی قوای سیاسی ترکیه باشد. به این اعتبار، فراخوان «حزب دموکراتیک خلق‌ها» برای بسیج عمومی همه‌ی نیروها و طبقات اجتماعی حامی صلح، دموکراسی و آزادی در قالب برگزاری راهپیمایی اعتراضی در استانبول در ۲۶ جولای/ ۴ مرداد ماه می‌تواند همچون تمهیدی موثر در تقویت جبهه‌ی ضدارتجاع عمل کند.

بی‌شک همه‌ی ما می‌دانیم که ساختن یک آرمان جمعی دموکراتیک تا چه پایه مستلزم فراروی از مرزها و هویت‌های ملی و گشودن فضایی کلی و جهان‌شمول برای همگان است. اساساً باور به ایده‌ی انترناسیونالیسم - به‌رغم بالاگرفتن انواع و اقسام هویت‌گرایی‌های قومی - قبیله‌ای در خاورمیانه - تنها از راه تقویت همبستگی‌های منطقه‌ای و جذب همه‌ی آنانی که فارغ از منافع جزئی ملی دل در گرو ارزش‌های انسانی دارند ممکن می‌شود. از همین روست که ما در مقام شماری از آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان ایرانی دست‌هامان را از پس مرزهایی که ما را از هم جدا ساخته‌اند به سوی‌تان دراز می‌کنیم و با شما پیوند همبستگی و همراهی می‌بندیم. در مبارزه‌ای که به اتکای عزم جزم سیاسی‌تان علیه بربریت داعش از یک‌سو و دسیسه‌های دولت ترکیه، از سوی دیگر، آغاز کرده‌اید همگام و همیارتان هستیم. درست است که در راهپیمایی و تجمعات ۲۶ جولای/ ۴ مرداد ماه در استانبول کنارتان نبودیم اما عمیقاً خود را همگام و همدل شما احساس می‌کردیم. شک نکنید که اینروزها امید به آینده‌ای بهتر برای خاورمیانه در چهره‌ها و بدن‌های به هم پیوندخورده‌ی شماست که خودی نشان می‌دهد.

امضاکنندگان:

پارسا آزاد پاریسی، امیرعباس آزمونند، محمدکریم آسایش، سهیل آصفی، ابراهیم آقامیری، روزبه آقاجری، مارینا ابوالقاسمی، بشیر احسانی، امیر احمدی آریان، کامران اخشی، آزاده اخلاقی، پویا اربابی، فرشیده اسدی، علی اسداللهی، رضا اسدآبادی، مهسا اسدالله‌نژاد، شبیم اسماعیلی، نوژن اعتضادالسلطنه، امید اقدمی، دلشاد امامی، حسین امیدی اورمان، حسام امیری، مریم امیری، بهنام امینی، طیبه امینی، سیدار اوانکی، کمال ایرانی‌دوست، الناز بابایی، هومن باریکانی، بهنام بوذری‌نژاد، کیانوش بوستانی، بابک پاکزاد، میلاد پشتیوان، آرش پندی، مهسا پورمقرری، هادی تقی‌زاده، ماندانا تلارمی، مهدی توپچی، فریدون تیموری، محمد ثانی، علی ثباتی، علی جمشیدی، فرزانه جلالی، آسو جواهری، سینا چگینی، لیلا چمن‌خواه، امیر چمنی، فاطمه چهرگان، سمیرا حاتمی، حسام حسین‌زاده، طلیمه حسینی، فرزانه حسینی، مسعود حسینی، ندا حقیقی صابر، نوید حمزوی، محمدرضا حمیدی، یاسمن خالقیان، قاسم خالویی، مینا خانی، مهین خدایاری، محمدحسن خدایی، هادی خردمندپور، علیرضا خسروآبادی، ناهید خیرابی، مزدک دانشور، سعید درخشان، رضا دهقان، شادی دهقان، آزاده دواچی، میثم ذاکری، بهنام ذوقی، پیام ذوقی، اسفندیار راد، فریبرز رئیس‌دانا، مسعود رحمتی، روزبه رحیمی، سمیرا رشیدپور، آوات رضانیا، رقیه رضایی، بنفشه رنجی، سیمین روزگرد، نسیم روشنایی، وحید رهبر، احسان ریاحی، یاسر ریگی، حمید زارع محمدی، بهرام زالی، امین زرگرنژاد، سپهر زندی، عظیمه ستاری، صدیقه سرابی، سهیل سراییان، بهار سرلک، فرانک سعیدی، هاجر سعیدی، حسام سلامت، نسیم سلطان‌بیگی، آزاده سلیمانی، عارف سلیمی، بهرام شجاعی، مهدی شعبانی، امید شمس، فواد شمس، مندی شمس، عمادالدین شوری، سیاوش شهابی، عباس شهبازی، پرهام شهرجردی، شاهین شیرزادی، امیر طهرانی، آیدین ظریف، آزاده صابری، مهدی صابری، نسترن صارمی، الهام صالحی، ساحل صالحی، فاطمه صالحی، ساقی صالحی‌مجد،

عیسی صفا، امانج صلواتی، نیر صمدزاده، احسان عباسی، مهدی عباسی، فرانک عبدی، آرش عزیزی، علی عزیزی، شاهین علیپور، جواد علیخانی، سوگند علیخواه، زانیار عمرانی، نرگس غروبی، محمد غزنویان، محمدرضا غلامشاهی، حمید فراهانی، محمدرضا فرج‌زاده، آریا فرهنگ، مجید فنایی، فریبا فیاضی، احسان فیض‌آبادی، پروانه قاسمیان، شهاب قاضی‌خانی، ائلوار قلی‌وند، اوکتای قلی‌وند، رامین قلی‌وند، رضا کافی، علی کاظمی، علی کلانتری، سوزان کریمی، سیاوش کوه‌رنگ، الناز کیان، علیرضا کیانی، عمار گلی، بیتا گودرزی، یاسر گلی، فرهاد ح. گوران، روزبه گیلاسیان، حسین لواسانی، فاطمه لیلازی، الهام محمدنژاد، علیرضا متعبد، به‌رنگ محمدی، داریوش محمدی، عارف محمدی، کوبک محمدی، سیاوش محمدحسینی، امیرحسین محمدی‌فرد، فاضل محمود، رضا مرادی اسپیلی، محمدمبین مرادی، یاسر مرتضی، حسن مرتضوی، کریم مرسنه، امیرحسین مصباحی، اکبر معصوم‌بیگی، فرزاد معینی، احمد مقصودی، رزگار ملامحمودی، سالور ملایری، حمید ملک‌زاده، مهرگان ملکی، سعید منصوری، احمد منتظری، امید منتقمی، محمد موسوی رحیمی، حمید مولایی، سامان مهدور، حسین میربابا، ایمان واقفی، امیر ناظری، سعید نظری، یدالله نعمتی، مهراو نوری، رضا نوری‌زاده، امیرحسین نیکزاد، سارا نیکزاد، امیر نیک‌نژاد، علی هداوند، مصطفی هوشمند، مهران یزدی، سعید یزدیان، امیر یوسفی، میترا یوسفی، نوید یوسفیان.

بۆ شهرفانانی کۆبانی، فدراسیۆنی گه‌نجانی سۆسیالیست، ئەندامانی پارتی دیموکراتی گه‌لان و هه‌موو ئەو که‌سانه‌ی تر که له پێناو سۆسیالیسم و دیموکراتی دا خه‌بات ده‌که‌ن.

هاوڕێکیان!

هێرشه‌ تیرۆریستییه‌ که‌ی 20ی جولای بۆ سه‌ر گه‌ردبوونه‌وه‌ که‌ی فدراسیۆنی گه‌نجانی سۆسیالیست له‌ ناوه‌ندی کولتووری ئامارا له‌ شاره‌دێی سووروچ له‌ سنووری تورکیا که‌ 32 که‌س له‌ خوشک و برابانمانی خه‌ڵتانی خوێن کرد له‌ کاتی کدا بوو که‌ سه‌رقالی خۆنامه‌دانه‌ کردن بوون به‌ره‌و کۆبانی له‌ پێناو نۆژهنکردنه‌وه‌ی ئەو کانتۆنه‌دا، ئەم هێرشه‌ جارێکی تر به‌ روونی و ئاشکرایه‌ی ئەو به‌ره‌به‌ریه‌ته‌ جه‌له‌بۆنه‌که‌راوه‌ی داعشی به‌رامبه‌ر به‌و ئەله‌رناتی قه‌ه‌ سۆسیالیستییه‌ی کۆبانی خسته‌ روو.

ئهم‌ئستا به‌ ته‌واوه‌تی ئاشکرایه‌ که‌ ئەم‌ڕۆ رۆژه‌لاتی ناوه‌راسته‌ تووشی ش‌ئتی و جه‌نگ‌ئک هاتووه‌ که‌ له‌م که‌ینووبه‌یه‌ندا پرسی "سۆسیالیسم و به‌ره‌به‌ریه‌ت" زیاتر له‌ هه‌ر کاتی که‌ی تر مانای خۆی هه‌یه‌. ئەوه‌ به‌رێکه‌وت نییه‌ که‌ له‌ ن‌ئوان ده‌ول‌ه‌ته‌ ده‌سه‌ڵاتداره‌کانی رۆژه‌لاتی ناوه‌راسته‌دا که‌ له‌ پاره‌ی نه‌وت هه‌ڵئاوسوون و هه‌ر کامه‌یان به‌ چ‌رێک له‌ سازانی که‌ی ب‌ئ‌ ک‌ئ‌ش‌ه‌ی سه‌رمایه‌داری له‌ گه‌ڵ ر‌ژیمه‌ نادیموکراته‌کاندا هه‌ژمار ده‌ک‌ر‌ئ‌ن، له‌م ن‌ئ‌وه‌دا ته‌نیا کانتۆنی کۆبانی یه‌ - هه‌روه‌ها کانتۆکانی جه‌زیره و عفرین - که‌ سه‌ره‌رای به‌ره‌نگاربوونه‌وه‌یان به‌ هه‌موو تواناکانیانه‌وه‌ به‌رامبه‌ر به‌ د‌ئ‌وه‌زمه‌یه‌کی د‌ه‌نده‌ی وه‌کوو داعش، ئەله‌رناتی ق‌ئ‌کی راسته‌قینه‌یان نه‌ک ب‌ئ‌ داعش به‌ل‌کو ب‌ئ‌ ته‌واوی ده‌ول‌ه‌ته‌کانی ناوچه‌که‌دا خسته‌وه‌ته‌ روو. تا ئەو شوئنه‌ی که‌ له‌م کانتۆنه‌دا ده‌بیرت‌ن نمونه‌یه‌کی سه‌رکه‌وتوو له‌ دیموکراتییه‌ت‌ئ‌کی راسته‌وخ‌ۆ، خ‌ۆبه‌ر‌ئ‌وه‌برد‌ن‌ئ‌کی هاوبه‌شانه‌، پ‌ئ‌که‌وه‌بوون‌ئ‌کی یه‌کسانانه‌و سۆسیالیسم‌ئ‌کی س‌ئ‌کولاری دیموکراتیک به‌دی ده‌که‌ین که‌ ئەمانه‌ به‌

شعوبه کی پراکتیکی بریتییہ له دابران له میراتی دهولته ملهوره کانی ناوچه که له په رله ماتاریسم ئکی له کارکوو که وتوو به یگره تاوه کوو بورو کوراسییه کی سه پ ئنرانه و تا ناسی ونالیسم ئزکی ره گز په رست و هه روه ها سه رمایه داره خپله کییه کان - تی فکراتیک - میلیتاریستی. نهو تیشکه کزی هیوایه کی له هه ناوی تاریکی روزه کان و شهوه کانی روزه لاتی ناوه رستدا که تووشی و ئرانای و ئاژاوه ها تووه، ددره وش ئسته وه، به هیمه تی ئتوه هاوړئ کانمان له کوبانی و عفرین و جهزیزه و هاوړئ کانی ترمان له دیاربه کر و نهسته ننبول و نهکهره - هاوکات به پشتیوانی دل ئتربیه نازادی خوازییه کان و یه کسانخوازه کانی هاوړئ کانی ترمان له روزه لاتی ناوه رستدا - به رووناکای و گه شاووه یی ماوه ته وه.

ئیمهش وه کوو ئتوه له سهر نهو بر اوایه یین که نهو بهرگرییه سهرکه وتنانه کی کوبانی و نهو سهرکه وتنه بهرچاوه سیاسییه کی "پارتی دیموکراتی گه لان" له تورکیا، په یوه نندییه کی نه پچ راویان له گه ل په کدا هه یه و له راستیدا به سهرنجدان ب و نهو په یوه نندییه ناوه کییه کی که له ن ئوانیاندا هه یه ده توانین به باشی ل ئیان ت ئبگه یین، به ش ئتوه یه ک که ده کړت بانگه شه کی نهوه بکه یین که ئیمه رووبه رووی یه ک پررزه کی سیاسی هاوبه ش ده بینه وه که به پ ئی هه لوومهرجه کان و چ ئنیه تی باروودوخه که سوود له ش ئواز و که رسته کی جیاواز ورده گرتت. ئیمه نهو دوو نه زمونه هیوا به خشه سیاسییه وه کوو کردنه وه ی بهر کی دیموکراتیک له هه ناوی یه ک ئک له نادیموکرات ترین ناوچه کانی جیهان له ر ئگای بهرگرییه کی داه ئنرانه به رامبه ر به ه ئزگه ل ئکی فره فرم و جیاوازی کونه په رست ده خه لم ئنن ب و نمونه دهولته ئک که له ژئر په رده کی دهولته ئکی سه رمایه داری به روالته ن فرمال له گه ل هه لپه رستی ب و زیندوو کردنه وه کی ئمپرات فری ئسلامی (تورکیا) و له شو ئن ئکی تردا له چوارچ ئتوه کی سه رمایه داری سوودخو ر له سه رمایه داره کانی ناوچه که که به فرم ئکی ج ئبه ج ئکاری و ئایدول فری داعشی، ناماده گی هه یه. له هه لوومهرج ئکدا که ه ئزه چه پر وه کان به گشتی له ولتانای روزه لاتی ناوه رستدا - چ له ر ئگای سهرکه وتکردنی راسته وخ و و چ له ر ئگای مملان ئی و داخرانی ناوه کی دا - گ وراون ب و کومه لئک رووداوی په رش و ب ل او و په راو ئن زخراو و کاریگه ربیه کی نهوت و بیان نییه، نهو جیدییه ته ی ئتوه له پ ئناو به روپ ئشووه چوونی یه ک پررزه کی چه پگه رایه نه له دوو بهر کی جیاوازا، هیوا به خشی په رپ ئدانی رووداوی کی ناوچه ییه که خه می نازادی و یه کسانای و پ ئکه وه بوونی هه یه.

پشتیوانی ئیمه ب و نهو بر اریه سیاسییه کی ئتوه له ههولته کانتان دژ به بهر کی کونه په رستی و سه رمایه له راستیدا به ش ئکه له خوبه رهه م ه ئنانه وه مان له ناو به شداری له پررزه یه کی سیاسی هاوبه ش که له بنه ماکانی کاری هه موو ه ئزه چه په کانی ناوچه که دا بوونی هه یه.

دهولته تی تورکیا که تاوه کوو ئتستا به هوی نهو مله وری و تاکر ه و ییه ماوه ته و له ئتستادا پارتی داد و گه شه پ ئدان گ وراوه ب و ت ئکه له به کی سه یر له عوسمانی گه ری ناسی ونالیسی و ئیسلامگه رای سیاسی و نی ولبرالیسمی نابووری، ماوه یه کی زوریشه ر ئی کی کونه په رستانه - چ له ناوخوی تورکیا و چ له ناوچه که دا - ده گ ئرتت.

له کاردانه وه به رامبه ر به م ه ئرشه ت ئر فریستییه کی نه مدوا ییه دا، دهولته ته که ی نهردوگان له ههولتی نه وه دایه که به تیر ئک چند نیشان ئک بشک ئن ئت: س رینه وه کی نهو و ئنه جیهانییه کی که له سهری دروست بووه وه کوو پشتوانییکردن له داعش نه مهش له ر ئگای ده رختنی خوی به ش ئتوه یه کی روالتی که خه ریکی شه رکردنه له گه ل داعش، ئنجا به بیانوی نه گه بشته نه نجامی گفتوگ وکان له سهر دروستبوونی دهولته ئکی ئیتلافی هه ل س ئت به سازدانی هه ل بژاردن ئکی په رله مانای پ ئشوخت و به یارمه تی نه مانه هه ول بادت به کومه لئک شتی ر ئتینی ناسی ونالیسی پ ئگه له قه که ی خوی له تورکیا به ه ئز بکات و دهنگه له دهست چووه کانی بگه ر ئن ئتوه و نهو شکسته کی خوی له هه ل بژاردنه کی دواپی دا قهره بوو

بکاتهوه، ههروههها به ناچارکردنی پ.ک.ک بۆ دهستبردن بۆ چهک و رووبهرووبوونهوهی چهکدارانه و پاشگهزبوونهوهیان له پرۆسهی ناشتی، ئهوان به مهترسی بۆ ئاسایشی تورکیا و لایهن ئکی برابوایه ئنه کراو له پرۆسهی بهرژهوهندی سیاسی ههژمار بکات و لهم ریگایه شهوه بهش ئک له دهنگه کانی ئه و ناسی فنانلیستانه ی که دژ ناشتی و سازانن له گه ل پ.ک.ک دا به ره و خۆی رابک ئش ئت و هاوکات هه لی له ناوبردنی ئه ندنامه کانیا ن و که سه نارازییه سیاسییه کانی تر - له سه روو هه موویانه وه، "پارتی دیموکراتی گه لان" و له هه نگاوه کانی دواتریشدا هه موو گروپه چه په کانی تر - ده سه بهر بکات، ههروهه ها به ده سه ئه وردان له باکووری سووریا به بیانوی شه ر له گه ل داعش دا پ ئگه کانی پارتی یه کگرتووی دیموکراتیک لاواز بکات و ک فترۆلی جمووجۆله کانیا ن له ناوچه که دا بکات و له مانه ش گرنگ تر بب ئته به ره به سه ئک بۆ یه کگرتنه وه ی هه ر س ئ کانتۆکه.

لهم بروانگه یه وه پ ئداگری "پارتی دیموکراتی گه لان" و ه ئزه چه پگه راکانی تر بۆ پرۆسه ی ناشتی - له گه ل هه ولۆه شاننده وه ی یه کلایه نه ی ئه م شته له لایهن ده ولۆه ته وه - و خ فپاراستن له که وتنه داوی تۆله کردنه وه ی سه ربازی و خۆراگرتن به رامبه ر به دلۆه رواک ئی وازه ئنان له به شداری په رله مانتاریستی له سیاسه تی ناوخۆیی و له هه مانکاتدا پابه ندبوون به ری ساکان، هه لۆه و ئست و به رنامه پ ئشکه و تووه کانی خۆیا ن و پته وکردنی پ ئکه وه بوون له گه ل بزووتنه وه کۆمه لایه تییه کان و به رده وامی له پشت به ستن به ری کسختنه وه ی خه لک و در ئژکردنی په نجه ی تاوان به ره و ئه م کرداره ی "پارتی داد و گه شه پ ئدان"، تا ئ ئره ده توان ئت رۆلی کی گرنگ له نه زۆک کردنی ئه م پیلانه شومه ی ده ولۆه ته که ی ئه ردوگان ببین ئت که هه ول بۆ ت ئ کدانی هاوسه نگی ن ئوان ه ئزه سیاسییه کانی تورکیا ده دات.

بۆیه، بانگه وازی "پارتی دیموکراتی گه لان" بۆ یه کگرتنه وه ی هه موو ه ئزه کان و چینه کۆمه لایه تییه ناشتی خواز و دیموکراسی و ئزادی خوازه کان له چوارچ ئوه ی خۆپیشاندان ئک له 26 جولای ده توان ئت رۆلی کی کارا و کاریگه ر له به ه ئز کردنی به ره ی دژه کۆنه په ره سه ئیدا ببین ئت.

ب ئ گومان هه موومان ده زانین که دروستکردنی یه ک ئامانجی دیموکرات تا چند په یوه سه ته به ت ئ په راندنی سنووره کان و شوناسه نه ته وه ییه کان و کردنه وه ی فه زایه کی گشتی و جیهانگیر بۆ هه مووان. له بنه مادا برابوون بۆ ئایدیای ئه نته رناسی فنانلیسم - له گه ل زیادبوونی چه ندین چه شنی شوناسگه رای ی خ ئله کی - خ ئله کی له رۆژه لاتی ناوه راستدا - ته نیا له ری گای پته وکردنی پ ئکه وه بوون و راک ئشانی هه موو ئه و که سانه وه ده ب ئت که دوورن له هه ر به رژه وه ندییه کی بر ئژه یی نه ته وه یی و هیواکانیا ن گ بر ئ دراوه به به ها مرۆییه کان. لهم سۆنگه یه وه یه که ئ ئمه یان له یه کتر جیا کردووه ته وه به ره و ئ ئوه در ئژ و یه کسان ی خوازی ئ ئرانی ده سه ته کانمان له و دیو ئه و سنوورانوه که ئ ئمه یان له یه کتر جیا کردووه ته وه به ره و ئ ئوه در ئژ ده که ی ن و له گه ل ئ ئوه دا په یمانی پ ئکه وه بوون ده به ستین. له و خه باته ی که به نیه ته سیاسییه که تان به رامبه ر به به ره یه تی داعش له لایه ک و پیلانه کانی ده ولۆه تی تورکیا ده ستتان پ ئ کردووه، له گه ل ئ ئوه دا ی ن. راسته که له خۆپیشاندانه که ی 26 جولای له ئه سه نه بول دا شان به شان له گه ل ئ ئوه دا نه بووین به ل ام به یه پری هه ست و سۆز و باوه روه هه نگاو به هه نگاو له گه ل ئ ئوه دا بووین. گومانتان نه ب ئت که ئه م رۆ هیوا یه ک بۆ داها توویه کی باشتر له رۆژه لاتی ناوه راست بوونی هه یه که له ده مووچاو و جه سه ته پ ئکه وه په یوه سه ت بووه که ی ئ ئوه دا یه که خۆی ده ر خستووه.

A letter from Iran to Kobanî resistance forces, the Federation of Young Socialists, the members of People's Democratic Party, and all other activists of the path of socialism and democracy.

Comrades!

The terrorist attack of 20th July to the gathering of the Federation of Young Socialists at the Cultural Centre of Arama in the border city of Suruç, in Turkey, in which 32 people of our comrades, who were to be sent off on the mission of reconstructing Canton in Kobanî, were brutally killed, once again, with all its clarity and manifestation, revealed the irreconcilable conflict between ISIS's barbarism and the socialist alternative of Kobanî. It is now crystal-clear that the present situation in the Middle East, chained to war and madness, is the harbinger of an age in which the question of "socialism or barbarism" carries an all the more clearer and unprecedented significance. There is no coincidence that among the superpower states of the middle east which are, as it were, swollen by the incomes of oil export each of which, in a way, manifestly indicating the tension-free harmony of capitalism and undemocratic regimes, it has been the Kobanî canton - and that of Jazira canton and Afrin - that, along with an attempt to vehemently resist against the bestial monster of ISIS, have set forth a genuine alternative. Not only against this terrorist state of ISIS, but also against all other states of the region. As far as the canton ceremony is concerned, we are doubtlessly witnessing successful examples of direct democracy, cooperative autonomy and self-governing, just solidarity, and socialist secular democracy, which literally suggest no less than a complete detachment from the despotic heritage of the powers of the region - from an anemic parliamentarianism with its dictated democracy or discriminative identity-seeking to tribal militarist-theocratic capitalisms. The humble light arrows that ascend from the depths of darkness of the days and nights of the middle east, crippled by demise and anarchy, are enlivened and become enduring with the aid and endeavor of all our comrades in Kobanî, Afrin, Jazira, Diyarbakır, Istanbul, Ankara, and, of course, by the egalitarian and liberating sacrifices of our other comrades in other countries of middle east.

We, too, like you, believe that the victorious resistance of Kobanî and the noteworthy political achievement of the Democratic Party of the People in Turkey are inseparably tied to one another and that they can only be perceived in light of their internal relations to the extent that it can be claimed that we are dealing with a single political project that, due to the circumstances and various possibilities, is applying different methods and means to meet the same objective. We consider both of these inspirational and hope-bearing political experiences as an opening of a democratic front at the heart of one of the most undemocratic regions of the world which is only gained through creative resistance against the multifaceted reactionary forces - once in form of a seemingly normal capitalist state

with the extremist ambition of the recreation of an Islamic empire (Turkey) and elsewhere as the military state minion of regional capitalisms with a pretentious face of an ideological and executive Islam (ISIS). Where the leftist forces in the other countries of the middle east - either due to the external suppression or internal impasses - have become disintegrated, marginal, and ineffective movements, your perseverance in the parallel pursuit of a single unified leftist project in two separate fronts inspires the regional empowerment of a movement that thirsts for but freedom, equality, and solidarity. Our support for your political determination in your relentless campaign against the reactionary and the capital front is in fact a part of our own determination in contributing to a common political project which is the agenda of all leftist forces of the region.

Turkey's state - which has now and thanks to the mulishness of its so-far-surviving Party of Justice and Development turned into a bizarre juxtaposition of nationalistic Ottomanism, political Islamism, and neoliberal economy - has been long playing but a reactionary role both in Turkey and throughout the region. In response to the recent terrorist attack, Erdoğan's administration is trying to kill a number of birds with one stone: repairing its global image stained by cooperation with ISIS through self-victimization and launching a seeming assault to ISIS, and attempting to bring the formation of a coalitional government into impasse by implementing a premature parliament election, and, in parallel to all this, making an attempt to strengthen its weakened position in Turkey by the use of the nationalistic clichés and retrieving the considerable vote-loss in favor of its related party in order to compensate its recent political defeat by means of stirring PKK into an armed reaction against its recent actions and abandoning the peace strategy so that PKK appears as a threat against the national security of Turkey and an untrustworthy counterpart for political compromise through which it gets to win the sympathy of the Turkish nationalists who are against making any deal with PKK and thus providing the ground for the political suppression of PKK members and the other opposition members and ultimately all the leftist opposition forces, above all, the "Democratic Party of the People." They are also after penetrating into the north of Syria under the pretext of fighting with ISIS, which in turns weakens the position of the democratic coalition, getting to control its moves in the region and, most importantly, preventing the triple cantons to join each other. In this regard, the emphasis placed by the Democratic Party of People and the other leftist forces on maintaining the peace pact - despite the unilateral truce role played by Turkey's state - and their avoidance of falling pray into military retaliation and their resistance against the temptation to parliamentary cooperation in the area of national politics while remaining loyal to their own principles, their progressive political agenda and position and their attempt to strengthen solidarity with the social movements and to continue to rely on the organization of the masses and turning the blame against the Party of Justice and Development, has all together, even to this point, succeeded in taking a vital step in revealing the vicious agenda of Erdoğan's administration for tilting the balance of the political power in Turkey. In this regard, the call made by The Democratic Party of the

People for the public besiege of all the pro-peace, democracy, and freedom forces and social classes, in form of a demonstration in Istanbul in 26th of July, can function as an effective tactic in empowering the anti-reactionary front.

We all know, beyond any reasonable doubt, that to what extent constituting a common democratic ideal depends on superseding beyond the national identities and borders and the opening of the universal and global sphere for everyone. The belief in the idea of internationalism is essentially and despite the rise of all sorts of ethnical regional reactionary identity-seekings in the Middle East can only be attained through strengthening regional solidarities and attracting all those people who, regardless of the particular national interests, have passionately invested on human values. That is why we, as a number of freedom-seekers and egalitarianists of Iran, reach hands to you from across the national borders that have separated us from each other and take an oath of solidarity to stand with you. In a battle that you have started with your political will and determination against ISIS's barbarianism, in one side, and Turket's state's hypocrisies, in the other, we are your companion and our hearts are with you. It is true that we did not stand by you, shoulder to shoulder, in the demonstration and assemblies that you have called for in 26th of July, in Istanbul; yet we hope that you felt our deep sympathy with your aim. There is no doubt that, these days, the hope for a better future for the entire Middle East is only rendering itself possible through your united bodies and determined visages.

Kürt Şervanlara, gençlik Sosyalist Federasyonu, Halkların Dimokratik partisi üyeleri ve bütün Sosyalizm ve Dimokratik için direnenlere sesleniyoruz.

Yoldaşlar!

20 temmuzde Sürüçe bağlı Amara Kültür Merkezi'nde gerçekleştiren terör saldırı sonucunda 32 kişi hayatını kaybetti, bu saldırı gerçekleştirdiği zaman siz tamir çabaları ışık etmek için Kobani'ye gitmeyi hazırlanıyordunuz. bu saldırı bir kez deha şunu gösterdi ki İŞİD'n berberi gucu sizin bu alternatif Sosyalizme karşı'dır.

görünen O ki bugün Ortadoğu savaş alevleri içinde, bu ortamda "Sosyalizm ve berbeyet" kavramı dahada anlam taşır, bu bir tesadüf değil ki Petrol parası ile sıkıştırılan Ortadoğu güçler ve diktatör rejimler arasında uyumsuzluk bir Kapitalizm anlaşma var, bu aralarda sadece ve sadece Kobani Kantonu "Cizire ve Afrin Kantonları yanı sıra" butun var oldukları gücü ile cani İŞİD'e karşı direniyorlar, bu direnişle sadece İŞİD'in bir alternativi değil, bütün coğrafiyanın alternativi olarak kendileri ispat ettiler, bu Kantonlarda doğrudan

demokrasi, ortak özerklik, eşit beraberlik ve seküler Sosyalizm görünmektedir, bunlar pratik olarak beyhude perlementerizm'dan tut bürokrasi dayatılması, Irıkçılık bir nasyonalizm ve klan kapitalisteler -otocrat- militarizme kadar, bu kıt yakan umüt çırağı ki Ortadoğu'nun karanlık gece ve gündüzlerin bağrında avaredır, henüz sonmedi ve parlıyor, sizin Kobani, Afrin ve Cızre kantonlarda sergilediniz direniş sahyesinde, İstanbul ve Ankara'daki arkadaşların çabaları ile Tunus, Kahire ve Beyrüt'te eşit yaşam isteyen arkadaşların desteğıle bu aydınlatma umüdu yakmaktadır.

bize sizin gibi şu kanaatindeyiz ki kobani'de elde edilen başarı ve Halıkların Demokratik Partisi tarafından Türkiye genel seçimlerde yüzde ondan daha fazla alınan oy oranı iç içe bağlilar, bu içte olan bağlantıyı baktımız zaman bize kolayca anlam kazandırır, bu anlamda "hepimiz aynı siyasi projeye karşı karşıyız" diyebiliriz ki konjonktürlere göre değişik şeylere fayde görüyor, biz bu umitveren iki siyasi modeli en karanlık ve kapalı coğrafyanın bağrında açılan bir demokratik cebhesi'dir, yaratıcı bir direnişle çok boyutlu ve değişik bir güçle karşı karşı'dır, örneğin Kapitalizm perdesi'nin arkasında olan ve normal görünen ve İslam İmparatorluğu (Türkiye) tekrar yaşanma çabası içinde olan, diğer yandan bölgedeki diğer kapitalizm'den yüksek faiz yeğen fırsatçı bir devlet İŞİD düşüncesi'le hazırdır, böyle bir ortamda ki genel olarak sol güçler Ortadoğu'da -doğrudan ezilmek tarafından yada iç kapatması sebebi ile- bir kaç gağılmış olaya döndüler ve onların hiç bir etkisi kalmadı. sizin bu ciddiyetiniz iki cebhede bir sol projeyi ilerlemeye amaçlı, özguluğu, eşitlik ve beraber yaşamayı amaçlıyan bir umit'tir.

bizim, sizin bu siyasi kararınızın destek vermesi ve sizin dar görüşlü kimse ve kapitalizme karşı girişimimiz öz koruması'nın bir parçası'dır ki her sol güçlerin tüzüğünde yer almaktadır.

şu ana kadar Türkiye Cümhuriyeti'nde tekçilik zihniyeti devam etmektedir, şimdi de AKP hayret bir karışığa değişti, bir boyutta Osmanlı nasyonalizm, otedkide siyasi İslamcılık diğeri de nyo-leberal ekonomi, kaç zaman'dır -içerde ve dışarda- dar görüşü tütümünde'dır.

bu son terör saldırıyı karşılığı olarak gösterdiği tütüm o ki, Erdoğan'nın devleti bu yönde iki amaçla ulaşmak istiyorlar; bir: uluslararasıda Türkiye için çizen imaci değişmek istiyor, yani "Türkiye İŞİD'de yardım sağlıyor" gerçeyi değişmek için sözde İŞİD'le savaşıyor, diğer amacı o ki partiler arasında yürütülen görüşme turları başarısız olmak behanesi ile ve kwalison hükümet kurmamak için erken seçime doğru Türkiye'yi erken seçime sürüklenmek istiyor kendi statüsü güçlendirip kaybeden oyları geri getirmek istiyor. zira PKK'ye silah taşımaya zorunda bırakılan ve savaşmaya ittiran çözüm sürecinde vazgeçmeye kapatılan bir girişimle onları Türkiye üzerinde bir korku olarak gösteriyor bununla PKK'ile anlaşmaya karşı bazı nasyonalistleri kazanmak istiyor, bu yönden onların üyeleri ve HDP'liler başta olmak üzere diğer sol gurupları tutmak istiyor.

zira Küzey Suriye'nin iç meseleleri karışıp İŞİD'e karşı savaşmak behanesi ile PYD'yi zayıflamayı amaçlıyor, bunlardan daha önemlisi kantonların birleşmeyiş engellemek için her tütülür çabayı sarf ediyor.

bu görüşle HDP başta olmak üzere sol güçlerin çözüm süreci için ayak diremesi ve devletin bu tür tuzaklara düşmemek, savaşa öc almamak için, parlamento hakkı vazgeçmeyip ve yasalara göre adımatmak bütün bunlarla Erdoğan'ın döşediğı bu tuzağı bozabilirsiniz, onun amacı Türkiye'nin güçleri arasında dengeyi bozmak'tır.

bunun için, HDP'nin 26 Temmuz'de bütün toplum sınıfların, demokrasi ve özgürlüğü talep eden bütün güçlerin birleşme çarısı bulunması hayati bir değeri var.

Dsotalırım!

şüphesiz hepimiz biliyoruz ki demoktatic bir amaç göstermek için dipten sınırları ve etnik kimlikleri aşmakla bağlı, bide genel ve global etmosferi açılması gerekmektedir, aslında enternasyonalizm düşüncesinde olmak –ortadoğud'dan klan kimlikler'in çoğalması yanısıra- sadece birlikte yaşama ile ve etnik çıkarlardan uzak olanları çekmek ile gerçekleşir, onların ümitleri , insanlık değerlerle bağlılar. Bu bağlamda biz İranlı eşitlik ve özgürlük davasında olanlar olarak bizi ayrılan sınırlar ötesinde ellerimizi size uzatıyoruz ve sizinle olmayı sözünü vermekteyiz, sizin İŞİD'e bir yandan, diğer yandan Türkiye devletin pılanları karşısında bu siyasi tavrınızı destekliyoruz, gerçi biz İstanbul 26 Temmuz gösterilerde sizinle omuz omuza olmayabiliriz, ama yüreğimiz sizinle, hiç küşkünüz olmasın ki Ortadoğuda yeni doğan bir ümit var, bu ümit sizin yüzünden ve birleşik vicudunuzdan kendisi göstermektedir.